

نشریه علمی پژوهشی
پژوهشنامه ادبیات تعلیمی
سال یازدهم، شماره چهل و یکم، بهار ۱۳۹۸، ص ۱۶۱ - ۱۸۰

بررسی نمود ادبیات تعلیمی در شعر اخوان ثالث

حجت‌الله ربیعی* - دکتر محبوبه خراسانی** - دکتر مرتضی رشیدی‌آشجردی***

چکیده

در میان شاعران معاصر، اخوان ثالث جزء چهره‌هایی است که از دیگر آفرینشگران ادبی معاصر متمایز است. آثار او حلقه پیوند شعر سنتی با شعر مدرن ایران است. پژوهش‌های صورت گرفته درباره اشعار اخوان ثالث، اغلب معطوف به جنبه‌های نمادگرایی و گرایش‌های ملی و حماسی آثار اوست و از دریچه ادبیات تعلیمی به اشعار او کمتر نگریسته شده است. در این مقاله سعی بر آن است که جلوه‌های ادبیات تعلیمی، در اشعار اخوان بررسی شود. به همین منظور با راهبرد توصیفی، به نمود ادبیات تعلیمی در چهار مجموعه *ارغنون*، *تو را ای کهن بوم* و *بر دوست دارم*، *سال دیگر ای دوست ای همسایه* و *زمستان پرداخته شده* است. هدف این پژوهش ارائه نمونه‌هایی از ادبیات تعلیمی در این مجموعه‌ها، بررسی فراوانی و دسته‌بندی آنهاست.

* دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران.

h_r_baran@yahoo.com

** دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران. (نویسنده

مسئول) najafdan@gmail.com

*** استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران.

mortezarashidi51@yahoo.com

تاریخ پذیرش ۹۷/۸/۱۰

تاریخ وصول ۹۷/۴/۱۹

به‌طور کلی، نمودهای تعلیمی در اشعار این مجموعه‌ها در حیطه فلسفی، اجتماعی، اخلاقی و سیاسی است.

واژه‌های کلیدی

ادبیات تعلیمی، شعر معاصر، اخوان ثالث.

۱. مقدمه

ادبیات تعلیمی پهنه وسیعی از ادبیات را در بر می‌گیرد. در تعریف ادبیات تعلیمی چنین گفتند: «ادبیات تعلیمی و ارشادی به تمامی نوشته‌های دینی، اخلاقی، انتقادی، اجتماعی، سیاسی، علمی، نامه‌ها و حتی متونی که به آموزش شاخه‌ای از علوم و فنون و مهارت‌ها می‌پردازد گفته می‌شود» (انوشه، ۱۳۷۶: ۴۴). قصد و هدف اصلی این‌گونه از ادبیات، نمایاندن راه درست و تحذیر از راه خطاست و با بیان اثرگذار سعی در حرکت دادن ذهن آدمی به سوی رشد و تعالی دارد و «نیکبختی انسان را در بهبود منش اخلاقی او می‌داند و هم خود را متوجه پرورش قوای روحی و تعلیم اخلاق انسانی می‌داند» (مشرف، ۱۳۸۹: ۹).

ذات این‌گونه از ادبیات بر مبنای پیوند حوزه‌های مختلف ذهنی انسان است و حاصل ارتباط و اتصال چندین شاخه از علوم و رشته‌هاست. بیشترین ارتباط ادبیات تعلیمی با اخلاق و فلسفه است و ماهیت اصلی آن «نیکی، حقیقت و زیبایی است» (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۲: ۸۱). ظرافت و زیبایی‌های ادبی سبب می‌شود آنچه به‌عنوان موضوع و مفهوم تعلیمی انتقال می‌یابد، در ذهن مخاطب ماندگاری و تأثیر بیشتری داشته باشد. در حقیقت ادبیات بر پایه ماهیت خود، با زیبایی مرتبط است و این خصیصه سبب می‌شود تا پیام تعلیمی از حالت خشک و دستوری علم و اخلاق دور شود و در عین حال مفاهیم علمی و اخلاقی به شیوه‌ای ترغیب‌کننده با مخاطب ارتباط

یابند. با مطالعه ادبیات تعلیمی می توان بایدها و نبایدها و سطح دانایی و تجربه هر ملت را در گذر قرن‌ها دریافت و سنجید؛ زیرا بُرد آموزشی ادبیات تعلیمی، در قیاس با آموزش و تربیت صرف، به مراتب فراوان تر است و سطوح بیشتری از جوامع را در طول تاریخ در بر گرفته است. بر این اساس مطالعه ادبیات تعلیمی، آگاهی و اطلاع گسترده‌تری از هر جامعه در اختیار قرار می‌دهد.

در ادبیات فارسی، حجم بزرگی از آثار ادبی زیرمجموعه ادبیات تعلیمی به شمار می‌روند. نمونه‌های فاخر و تراز اول چون *بوستان* و *گلستان* و *مثنوی مولانا* جزء برجسته‌ترین آثار ادبیات تعلیمی فارسی به حساب می‌آیند. پژوهش‌ها و بررسی‌ها درباره ادبیات تعلیمی، در میان آثار آفرینندگان ادبی گذشته ادبیات فارسی به مراتب بیشتر از ادبیات معاصر است. حال آنکه در ادبیات معاصر نیز نمونه‌هایی از ادبیات تعلیمی می‌توان یافت. در میان شاعران معاصر اخوان ثالث از چهره‌هایی است که به دلایل متعدد از دیگر آفرینشگران ادبی معاصر متمایز است. آثار اخوان ثالث حلقه پیوند شعر سنتی با شعر مدرن ایران است، به این معنا که اشعار او حاوی خصایصی از ادبیات کلاسیک فارسی و همپای آن رهیافت‌های تازه‌ای در حیطه شعر نیمایی است. بر این اساس تحقیق در آثار او اهمیتی ویژه دارد.

پژوهش‌های صورت گرفته درباره آثار اخوان ثالث، اغلب معطوف به جنبه‌های نمادگرایانه و گرایش‌های ملی و حماسی آثار اوست و از دریچه ادبیات تعلیمی، کمتر به اشعار او نگریسته شده است. در این مقاله سعی بر آن است که جلوه‌های ادبیات تعلیمی در اشعار اخوان ثالث بررسی شود. به همین منظور با راهبرد توصیفی، به نمونه‌های ادبیات تعلیمی در چهار مجموعه *ارغنون*، *تورا ای کهن بوم* و *بر دوست دارم*، سال دیگر *ای دوست ای همسایه* و *زمستان* پرداخته شده است. لازم به تأکید است این بررسی تنها اشعاری را در بر دارد که در قالب‌های سنتی سروده شده‌اند.

به‌طور کلی، نمود تعلیمی در اشعار این چهار مجموعه، در حیطه‌های فلسفی، اجتماعی، اخلاقی و سیاسی است. هدف این پژوهش ارائه نمونه‌هایی از ادبیات تعلیمی، در مجموعه‌های یادشده و بررسی فراوانی و دسته‌بندی آن‌هاست. گفتنی است که معیار برشماری نمونه‌ها در این آثار، تکمیل پیام تعلیمی است، خواه گزاره تعلیمی در یک بیت و خواه در چند بیت متوالی یا کل یک شعر آمده باشد. با شمارش و طبقه‌بندی این موارد، گرایش ذهنی شاعر به لحاظ موضوعی، در مواجهه با تعلیم و توصیه به مفاهیم تعلیمی آشکار می‌شود.

۲. پیشینه تحقیق

درباره ادبیات تعلیمی و نمودهای آن در آثار شاعران و نویسندگان، پژوهش‌های فراوانی صورت گرفته است که هرکدام به‌صورت کاربردی برای مطالعه این‌گونه از ادبیات راهگشا است؛ برای نمونه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

مریم مشرف (۱۳۸۷) در مقاله «طعن یا آبرونی در آثار مهدی اخوان ثالث»، به تبیین مفهوم آبرونی و کاربرد آن در اشعار اخوان پرداخته است. در این مقاله می‌توان به برخی نمونه‌های نقد و طنز اجتماعی به‌کاررفته در اشعار اخوان ثالث دست یافت.

فرهاد رجبی (۱۳۹۰) در مقاله «دغدغه‌های اجتماعی شعر عبدالوهاب البیاتی و مهدی اخوان ثالث» به شرح مواردی نظیر تصویر اجتماع در ذهن این دو شاعر، مبارزه برای رهایی، نقدِ جهل و فقر پرداخته است و زمینه‌های فکری اخوان را در باب مسائل اجتماعی، مورد بررسی قرار داده است.

زهرا موسوی و زهرا بشیری (۱۳۹۶) در مقاله «کارکردهای تعلیمی و اخلاقی عناصر چندمعنایی در شعر اخوان»، ضمن بررسی اجمالی جایگاه ادبیات تعلیمی در ادبیات معاصر، نقش فنون ادبی و عناصر چندمعنایی به‌ویژه نماد را در ادبیات تعلیمی اشعار

اخوان بررسی و جنبه‌های اخلاقی و تعلیمی شعر اخوان را واکاوی کرده‌اند. در این پژوهش به جنبه‌های غیرمستقیم و ابهام‌آمیز اشعار اخوان اشاره شده است. جنبه‌های تعلیمی شعرهای سنتی اخوان و نمود صریح و مستقیم ادبیات تعلیمی، در آثار او تاکنون مورد بررسی قرار نگرفته است.

۳. ادبیات تعلیمی در شعر اخوان ثالث

ادبیات تعلیمی در شعر معاصر چه در حوزه ادبیات کودک و چه در ادبیات بزرگسال حضور دارد و به هر دو شیوه بیان مستقیم و غیرمستقیم (زیرساختی) جلوه کرده است. در اشعار شاعران معاصر گاه به گزاره‌هایی برمی‌خوریم که به شیوه ادبیات عامه‌پسند سنتی، آشکارا عبارت، پیام اخلاقی و اجتماعی و بیان می‌شود و گاه نیز در لفاف بیان سمبولیک و درون‌مایه به انتقال تعالیم پرداخته شده است. برای مثال در آثار نیما یوشیج به عنوان یکی از اصلی‌ترین چهره‌های ادبیات معاصر، به هر دو شیوه بیان تعالیم برمی‌خوریم. او در اشعار سنتی خود به شیوه قدما گزاره‌های تعلیمی را به صورت عریان و در روساخت اثر آورده است و در قالب مستقیم‌گویی تعالیم اخلاقی و فلسفی را عرضه کرده است؛ به نحوی که گاه جز وزن و قافیه عنصری از ادبیات در شعر وجود ندارد اما در پاره‌ای دیگر از آثار او که بعدها شعر نیمایی نام گرفتند، پیام تعلیمی برای مخاطب خاص در اثر گنجانده شده و شاعر از تمهیدات ادبی گوناگون برای بیان افکار خود بهره جسته است (نک: عمران‌پور و دهرامی، ۱۳۹۲، ۱۰۷-۱۱۶).

اخوان ثالث بیش از هر کسی شیوه و اندیشه نیما یوشیج را درک کرد و در تبیین سبک شاعری نیما کوشید. او نیز همچون نیما، هم در حیطه سنتی و هم در عرصه شعر نو طبع‌آزمایی کرده است. در نگاه کلی، زبان اشعار اخوان ثالث تلفیقی است از سنت و مدرنیته و «باید او را پیشوای سبک خراسانی جدید در شعر معاصر نامید» (شفیعی

کدکنی، ۱۳۹۲: ۵۵۳). او در اشعاری که با رویکرد تعلیمی سروده شده‌اند، مانند نیما عمل کرده است؛ به این معنا که آن دسته از اشعار تعلیمی او که در قالب‌های سنتی سروده شده‌اند، اغلب با بیانی سراسرست و مستقیم به آموزش و توضیح گزاره‌های تعلیمی پرداخته شده است. تعلیمی که در آثار اخوان گنجانده شده، گاه با یک تجربه فلسفی و اندیشه‌ای نقادانه و اجتماعی گره خورده است. نقدی که به‌نوعی با آموزشی در پس‌زمینه همراه است. اشعار این چهار دفتر نشان از تسلط و علاقه اخوان به شعر کلاسیک دارند. او / ارغنون را زمانی سروده که به گفته خود، با مکتب نیما مخالف بوده است. آشنایی او با شیوه نیمایی و طبع آزمایی در این سبک سبب نشد که او به تمامی از شعر سنتی بریده شود. کتاب *تورا ای کهن بوم و بر دوست دارم* گواه این مدعاست. «این کتاب خود می‌تواند تتمه‌ای بر مجموعه ارغنون باشد» (براهنی، ۱۳۷۱: ۲۱۳). جلوه‌های ادبیات تعلیمی در اشعار این چهار مجموعه، در حیطه مفاهیم فلسفی، اجتماعی، اخلاقی و سیاسی است. در ادامه این مقاله موارد به‌کاررفته در اشعار اخوان، به ترتیب با عنوان شعر، شماره صفحه و موضوع تعلیمی گنجانده شده در اثر آورده شده است. پس از آن برای هر گروه مثال‌هایی از ابیات اخوان ثالث ذکر شده و به دنبال آن بسامد کاربرد هر گروه بیان شده است.

۱-۳. تعالیم فلسفی

ارتباط میان ادبیات و فلسفه، فراتر از بحث تعلیم و آموزش، یک ارتباط درونی و ضروری است و به‌طور کلی اگر شاعری صاحب اندیشه و دریافت خاص از جهان و زندگی باشد، خواه ناخواه رگه‌هایی از فلسفه در آثار او وجود خواهد داشت. «سخن زیبایی‌شناسیک هرگز به‌گونه‌ای قطعی از سخن فلسفی جدا نشده است، بحث از گوهر هنر همواره اشارتی فلسفی است» (احمدی، ۱۳۸۶: ۱). هستی‌شناسی و درک اخوان ثالث از زندگی و جهان پیرامون او، به‌عنوان جوهری ذاتی در شعر او در گذر زمان، عمیق‌تر و

پخته‌تر شده است؛ به گونه‌ای که آنچه در مجموعه‌های ابتدایی از او می‌بینیم رنگ‌مایه‌هایی از نگاه فلسفی را داراست، اما این نگاه، گاه در حد توجه سطحی و پند و اندرز بروز یافته است. هدف از طرح مبحثِ تعلیم فلسفی در شعر اخوان، بی‌شک این نیست که در آثار او، به دنبال اصطلاحات فلسفی یا تدریس فلسفه، به معنای علم فلسفه باشیم، بلکه مقصود نمود سخنانی است که می‌توان از آن نقطه دید و جهان‌شناسی شاعر را استنباط کرد. نظرگاهی که شاعر با بیان آن سعی در توجه دادن مخاطب به آن منظر دارد، تا در سایه آن هستی‌شناسی خاص و دریافت ویژه از زندگی و مرگ، برای مخاطب امکان یابد. افق دید اخوان ثالث در دفترهای مورد بحث، از اندیشه خیام و حافظ تأثیر فراوان یافته است. می‌توان گفت اگر توجه به میراث کهن ایران و زبان فخیم او سبب می‌شود شعرش یادآور شعر فردوسی باشد، خصیصه فلسفی و تکیه او بر بیان هستی‌شناسی خود، آثار او را به لحاظ فکری، در ادامه اندیشه خیام و حافظ قرار می‌دهد. بیشترین نمود اندیشه‌های فلسفی در مجموعه‌های مورد بحث، درباره «ارزش زندگی»، «غنیمت دانستن فرصت زندگی» و «یادکرد مرگ» است. مفاهیمی که بعدها در شعرهایی نظیر «مرداب»، «حالت»، «زندگی» و «صبوحی»، با بیانی غیرمستقیم و ژرف‌تر در دفترهای شعری دیگر آمده است.

بعد از مفاهیم زندگی و مرگ آنچه در دایره توجه شاعر قرار دارد، نسبت انسان و جهان و انسان و خداست. این موضوعات گاه در سراسر یک غزل یا قطعه شکواییه آمده است، گاه در یک بیت و در خلال شعری با موضوعی غیر از موضوعات یادشده بروز یافته‌اند؛ از جمله مواردی که اخوان ثالث به مرگ‌اندیشی خیام و شادزیستی او اشاره دارد رباعی‌ای است با عنوان خیامی:

مرگ آمد و خواست جان آسوده من تا بستاند کاسته و افزوده من
در کار طرب کرده بدم بود و نبود او برد همین قالب فرسوده من

(اخوان ثالث، ۱۳۹۱: ۲۰۷)

در توصیف زندگی و افسانه‌وار بودن آن چنین می‌گوید:

زندگی افسانه حقیقت مرگ است وینت حدیث مکرری که قدیم است

(اخوان ثالث، ۱۳۹۳ الف: ۴۵)

نیز درباره تبیین اندیشه‌های مانی درباره رابطه انسان و خدا چنین گفته است:

خدا پیدا و پنهان است با چشم دیگر بنگر که بینا گه نمی‌بیند ولیکن بنگرد کورش
زدل نزدیک‌تر با توست وز خون در تو جاری‌تر چنین فرمود مانی گر تو نزدیکی و گر دورش

(اخوان ثالث، ۱۳۹۳ الف: ۶۶)

همچنین در اخوانیه ای با عنوان «گذشت چرخ کند باز هم گذار دگر»، به بیان رابطه

و نسبت انسان با جهان و تغییر و تحول مدام جهان و زندگی انسان پرداخته است:

بزرگوار عزیزا! مباش رنجه که چرخ نمود چهره دگرگون و کرد کار دیگر
زمین بگردد و گردون بسی پدید کند زمانه دگر و روز و روزگار دگر
بزرگوارا! گیتی ستم بسی کرده است چنان‌که بر تو، بر بس بزرگوار دیگر
دوباره باز بهار آید و پدید آرد درخت خشک و تهی نیز برگ و بار دیگر

(همان: ۲۴۹-۲۵۰)

شعرها و مفاهیمی که به حوزه فلسفی تعلق دارند و شاعر به گونه‌ای اندیشه‌های

خود را درباره جهان زندگی و انسان در آنها بیان کرده است؛ از این قرارند:

ارغنون:

همسفر آه (ص ۲۱، بیت ۹)، بی‌اعتباری حیات انسان، وفای حسن (ص ۲۷)، اغتنام

فرصت، بی‌اعتباری زندگی، ساقیا (ص ۴۴، بیت آخر)، توجه به گذر عمر، بهشت دواب

(ص ۱۳۹)، نقد سخنان آنا تول فرانتس، خطاب با سیدنا (ص ۱۴۲، بیت ۵)، بی‌اعتباری

زندگی، بر لوح مزار پدرم (ص ۱۹۳، بیت آخر)، یادکرد مرگ، چه تفاوت (ص ۲۰۶)،

یادکرد جبر، خیامی (ص ۲۰۷)، یادکرد مرگ.

تو را ای کهن بوم و بر دوست دارم:

حدیث قدیم (ص ۴۵)، چیستی زندگی و آرزو، هوا (ص ۴۵، بیت ۴-۷)، مذمت زندگی و ستایش از عشق، اگر قلندری (ص ۵۸)، توصیف قلندری (ص ۶۶، بیت ۳ و ۴)، خداشناسی، آی شگفتا (ص ۶۷)، توصیه به عاشقی، سفر آب (ص ۱۳۸، بیت آخر)، اشاره به چرخه آب و آرزوی پرواز و تعالی انسان، اینک بهار دیگر (ص ۱۶۹)، توصیه به بیداری و آگاهی، جهد و تلاش، و تحول و دگرگونی، ای خدا خواننده خودآ (ص ۱۷۳)، شناخت خدا، رطب نباشد بی خار (ص ۱۸۰)، تحول جهان، تحمل رنج‌ها در زندگی به امید آرامش، مرگ حاجی لنجانی (ص ۱۹۱)، یادکرد مرگ، شکوی الغریب فی الوطن (ص ۱۹۲، بیت ۲۳)، توجه به تغییر جهان و زمان (ص ۱۹۵، بیت ۳۵ و ۳۶)، گذر عمر و ماندن نام، روزها و شب‌ها (ص ۲۰۴)، گذر عمر، دریافتن عمر، حق و ماسوی (ص ۲۱۹)، خداشناسی، صید و صیاد (ص ۲۲۰)، توجه به موقعیت انسان در جهان، شاه شاهان تو (ص ۲۲۴، ابیات آخر)، شناخت انسان، صدا یا خدا؟ (ص ۲۳۱)، خداشناسی، گذشت چرخ کند باز هم... (ص ۲۴۸)، تحول جهان و گذران بودن آن.

سال دیگر ای دوست ای همسایه:

برترین نام خدا (ص ۱۲۶، ابیات ۲۳-۲۵)، دیدگاه شاعر درباره اسم اعظم خداوند (ص ۲۲۳، بیت ۴)، غنیمت دانستن وقت و شاد زیستن (ص ۲۲۳، بیت ۷)، نظر شاعر درباره برتر بودن کعبه دل بر کعبه آجر و سنگ.

زمستان:

مرداب (ص ۱۰۱، ابیات ۲۷-۳۰)، تشویق به حرکت و پویایی (گزارش ص ۱۱۰-۱۱۴)، تمام شعر نقدی است فلسفی بر رکود و ایستایی، منظومه شکار (ص ۱۷۵-۲۰۴)، کل شعر در جهت نشان دادن تصویری از موقعیت انسان در جهان و نسبتش با دیگر موجودات است.

نمونه‌هایی از ابیات:

الا دریاب فرصت را که زود است	در این آفاق کز ما هم اثر نیست
همه بازیچه بادیم یکسر	(اخوان ثالث، ۱۳۹۱: ۲۷)
خنده خورشید را هر صبح دانی چیست رمز؟	کسی جاوید در این رهگذر نیست
چرا گردم به دنبال جهانی	(همان: ۲۸)
روز و شب‌ها که چنین می‌گذرد از پی هم	گوید از عمرت گذشت ای بی‌خبر شامی دگر
گفت آیین جهان باشد و بود	(همان: ۴۵)
گر بیش ممکن نشود، کم غنیمت است	که اندر وی اصالت لا‌اصالی ست
ای خوش‌زیر و زبرها دیدن	(همو، ۱۳۹۳ الف: ۴۶)
روز و شب رفتن و رفتن شب و روز	یک به یک دفتر عمر است و ورق می‌خوردت
	(همان: ۲۰۴)
	آنچه باید بشود خواهد شد
	(همو، ۱۳۹۳ ب: ۹)
	اندوه بیش و کم چه خوری؟ دم غنیمت است
	(همان: ۲۲۳)
	راه پُر بیم و بلا پیمودن
	جلوه‌گاه ابدیت بودن
	(همو، ۱۳۹۴: ۱۰۱)

۲-۳. تعالیم اجتماعی

آموزه‌های اجتماعی که در اشعار اخوان راه یافته‌اند، ناظر بر یک خیر جمعی، یا تحذیر از یک شر اجتماعی است. به‌نوعی می‌توان گفت اکثر اشارات تعلیمی و اجتماعی اخوان پس‌زمینه‌ای از اخلاق اجتماعی دارند و به نسبت اخلاقی فرد و جامعه معطوف هستند. «اخلاق اجتماعی مجموعه‌ای از عقاید، ارزش‌ها و هنجارهایی هستند

که نسبت به فرد، اموری بیرونی و مستقل تلقی می‌شوند. در جریان جامعه‌پذیری برای او درونی می‌گردند و به‌صورت جزئی از شخصیت او درمی‌آیند و در نهایت، رفتار فرد را در جامعه تعیین می‌کنند. بر اساس تعریف فوق، اخلاق اجتماعی، حوزه‌ای از فرهنگ عمومی یک جامعه را تشکیل می‌دهد که شامل عقاید، ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی است» (صالحی امیری، ۱۳۹۵: ۱۲).

آموزه‌هایی نظیر پاسداشت زن و رفتار درست با او، توصیه به مقابله با زور، دوری از انسان‌های حقیر و دون، موضوعاتی هستند که به‌نوعی به اخلاق اجتماعی پیوند دارند. آموزه‌های اجتماعی در این چهار مجموعه، موارد زیر است:

ارغنون:

وعدۀ دونان (ص ۲۲)، توصیه به دوری از انسان‌های دون، این است حقیقت (ص ۸۸، بیت ۱۶)، پاسداشت زن، کلید (ص ۱۱۳)، توصیه به دوری از ترس، شکایت از ری (ص ۱۲۷، بیت ۹ و ۱۲)، هشدار از رفتار لثیمان.

تو را ای کهن بوم و بر دوست دارم:

مثل (ص ۱۴۰)، شرحی بر چگونگی مثل، سفرتان خوش (ص ۱۴۵، ابیات آخر)، اشاره به وطن پرستی در قالب حسب حال، داستان گرگ و بره (ص ۲۰۴)، توصیه به مقابله به مثل کردن در برابر زور (حکایت ص ۲۰۷)، تجلیل از جامعه گذشته و مذمت حال، ای همه (ص ۲۱۰)، ترجیح داشتن شک شاعر بر یقین عده‌ای در پیری (ص ۲۳۰)، بیان تفاوت دریافت از گذر زمان در پیری و جوانی، اهل بازار و کلام خدا (ص ۲۳۹)، مذمت خوی بازاری پیدا کردن، رها کن که گویند تو بنگر چه گوید (ص ۲۴۵)، توجه به آنچه گفته می‌شود، مکن دعوی (ص ۲۵۷)، توصیه به دلیل داشتن برای ادعا، قطعه (ص ۲۶۹)، حرمت به زنان، مزدشت گوید (ص ۲۷۲)، توصیه به گیاه‌خواری، دختر به شرط چاقو (ص ۲۸۷)، نحوه رفتار با زن، مگو با خار هم نازک‌تر از گل (ص ۳۰۱)،

پاسداشت حرمت عشق، هلا! مصداق این آیت نباشی (ص ۳۰۳)، هشدار از کتاب خوانی سطحی.

سال دیگر ای دوست ای همسایه:

آمد نسیم صبا (ص ۱۲۸، بیت ۷)، نقد تعصب زاهدانه، آمد نسیم صبا (ص ۱۳۰)، ابیات ۲۲ و ۲۳، ترغیب به پایداری در برابر دشمن، چه خوش کاشت... (ص ۱۳۳)، تمام شعر، توصیه به دفع دشمن با دشمنِ دیگر (برگرفته از حکایت سعدی در گلستان، سرِ مار بر سنگ دشمن کوبیدن)، قطعۀ دوبیتی مثلی (ص ۱۳۷)، توصیه به خاموشی در برابر دونان، صبح به خیر، شب خوش (ص ۱۴۰)، بیت ۵، نقد فقر و عقب ماندگی مشرق زمین، علی موسی الرضا ای شهی... (ص ۱۵۰-۱۵۲، ابیات ۳۳-۴۴)، نقد و شکوه از کوته فکران و ابلهان، مثلی (ص ۱۶۷، بیت ۷-۱۰)، نقد تعلیم و ارشادِ سختگیرانه پیران، قلم به مزد ستایشگران... (ص ۱۷۷)، کلُّ شعر، نقدِ قلم به مزدان و قلم فروشان گدا طبع، هر روز... (ص ۱۸۱-۱۸۲)، همه شعر، نقد ستم کیشان، روز مبادا (ص ۲۱۱)، ابیات ۱۳-۱۶، نقد تبهکاری و خشم خجالت ناشی از آن، فغان (ص ۲۱۳، بیت ۶)، توصیه به دشمن دانستنِ دوستانِ ستمگر.

زمستان:

خفته (ص ۳۵-۳۶، ابیات ۲۳-۲۸)، نفی بی عدالتی و فقر، شعر (ص ۵۰، ابیات ۲۵-۳۰)، ترغیب به ایجاد امید، نظاره (ص ۶۴ و ۶۵، ابیات ۱۷-۲۰)، نقد اجتماعی و پرهیز از فضای مرگبار و پر از ریا و دزدی حاکم بر شهر، به مهتابی که بر گورستان می تابید (ص ۶۶-۶۹، تمام شعر)، نقد اجتماعی و پرهیز از شهری با اوضاع اسفبار، گزارش (ص ۱۱۲، بند ۸)، توصیف ریاکاران، داوری (ص ۱۳۰، هر دو بیت)، نقد اجتماعی.

ابیاتی با مضمون تعلیم اجتماعی

باشی اگر در جهان زبون و هراسان دشوار آید به دیده تو هر آسان

(اخوان ثالث، ۱۳۹۱: ۱۱۳)	
دارد همیشه چه بر بسیمی (همان: ۱۲۹)	نفریبت که سفله به ظاهر
که این خاک دارد، که عادی چه نادر (همو، ۱۳۹۳ الف: ۱۴۶)	بد و نیک من نیز هست آن بد و نیک
زور را باشد ستم قانون و دین جور و جفا (همان: ۲۰۵)	مشت را با مشت پاسخ گو، نه قانون و نه دین
هر که رفت آنجا شیاطین لخت و مدهوشش کنند (همان: ۲۴۰)	پایتخت شاه شیطان است بازار ای امید!
در عین و اوج وجود، بلعیده عدمان (همو، ۱۳۹۳ ب: ۱۲۸)	زهاد منکر می، گولند و گمره و گیج
از خان و مان و دار و دیارت برآورند (همان: ۱۳۷)	دوری گزین که هفت خطان، اهل دور جور
مفهوم بی عدالتی و نیش و نوش را دنیای ظلم و جور سباع و وحوش را (همو، ۱۳۹۴: ۳۵)	تعبیر آه و قهقهه خاطر نشان کند وین پرده فصیح مجسم عیان کند
در دام یک زنجیر زرین دیدنی نیست (همان: ۶۸)	جنبیدن خلقی که خشنودند و خرسند

۳-۳. تعالیم اخلاقی

در تعریف اخلاق این گونه گفته شده است که «اخلاق، مجموع اصلی است ناظر بر حسن جریان زندگی و تعالی انسان که در زمان معینی از معتقدات وجدانی فرد یا قومی سرچشمه می گیرد. اخلاق هم با قانون متفاوت است و هم با دین و هم با رسم و آیین. هر چند با هر سه آن‌ها وابستگی دارد. خلاصه آنکه اخلاق، اعتقاد به اصولی است که

شاخص نیک و بد در زندگی است؛ داور و تمیزدهنده است و از وجدان آدمی سرچشمه می‌گیرد» (اسلامی ندوشن، ۱۳۷۰: ۲۲۳-۲۲۴). آموزه‌های منبعث از نیک و بد زندگی، گاه در قالب ادبیات، برجسته‌تر و پایدارتر جلوه می‌کنند. ارتباط میان اخلاق و ادبیات دیرینه کهنی دارد. «گفت‌وگو در باب رابطه ادبیات و اخلاق به آراء افلاطون و ارسطو هوراس برمی‌گردد؛ افلاطون مشروعیت شعر را از دو جنبه معرفتی و اخلاقی مورد ارزیابی قرار می‌دهد و کارکرد اخلاقی آن را بر جنبه معرفتی مقدم می‌داند» (زینی وند، ۱۳۹۶: ۸۶). بر این اساس می‌توان گفت دو مقوله ادبیات و اخلاق از دیرباز با یکدیگر پیوند داشته‌اند.

اخوان در ابیاتی از این چهار کتاب، به گوشزد کردن راه خیر و برحذر داشتن از شر و بدی پرداخته است و به این طریق تعالیم اخلاقی در اشعار او راه یافته‌اند. اندرز، هشدار، تشویق و گاه تمسخر، شیوه‌هایی هستند که اخوان ثالث برای انتقال آموزه‌های اخلاقی مورد نظر خود برگزیده است.

در برخی ابیات و اشعار اخوان با محوریت تعالیم اخلاقی سروده شده‌اند، به لحاظ موضوعی رگه‌هایی از اندیشه حافظ به چشم می‌خورد. مفاهیمی نظیر «نفسی و مذمت ریاکاری»، «توصیه به راستی» و «مذمت دروغ»، یادآور اندیشه ستیز با ریاکاری و تأکید بر راستی در نزد حافظ است:

از خودت پیرس حضرت زرتشت از چه رو	تکرار می‌کند به اوستای مستطاب
از راستی چه‌ها رسدت وز دروغ چه	پرسیده‌ام من از خود و این یافتن جواب
خواند تو را به راستی و روح راستی	خواهد که از دروغ به جد ورزی اجتناب
او را به شور، با منش نیک و راستی است	زیباترین نیایش و دلکش‌ترین خطاب
کز آب راستی است تو را زندگی درست	هرگز نخورد آب کس از بازی سراب

(اخوان ثالث، ۱۳۹۳: ۲۰۳-۲۰۴)

در ادامه، عنوان شعرها و موضوعاتی که در بردارنده آموزه‌های اخلاقی هستند، آورده شده است.

ارغنون:

جواب ایرج (ص ۲۲ و ۲۳، بیت ۱ و ۴)، نفی تن‌پروری و نفی هم‌رنگ شدن با ناکسان، الا گل عشق (ص ۲۶، بیت ۳)، نکوهش انسان‌ها، ورق سوخته (ص ۳۱، بیت ۲)، توصیه به رشد و تکامل، خدا نکند (ص ۳۵، بیت آخر)، توصیه به وفاداری، خنده (ص ۱۵۱، بیت آخر)، نفی ریاکاری.

تو را ای کهن بوم و بر دوست دارم:

بیا تا (ص ۴۰)، توصیه به وسعت نظر، جذبه‌ای (ص ۵۱، بیت ۹)، نفی زرپرستی، هم امروز (ص ۵۴)، توصیه به عزم جزم، هشدار (ص ۵۹)، توجه به دغلكار بودن افراد، بیامرز پروردگارا (ص ۱۶۶، بیت ۶۷)، مذمت دروغ و ریاکاری، شکوی الغریب فی الوطن (ص ۱۹۲، بیت ۱۹)، توصیه به مدارا و ملایمت، از خود پیرس (ص ۲۰۳)، توصیه به راستی، همیشه (ص ۲۲۲)، دوری از تنبلی و توجه به نقد خود، شاه شاهان تو (ص ۲۲۴)، روایت طنزآمیز در نفی حساست و مال‌دوستی، بر آن آشکارای پنهان (ص ۲۴۰، بیت ۲۲)، توصیه به نماز با بینش، رسی اگر بکوشی (ص ۲۵۲)، توصیه به سخت‌کوشی، کمال همنشین (ص ۲۵۴)، توصیه به همنشین خوب، نصیحت (ص ۲۵۶)، طنزی برای دوری از باده‌نوشی، سختگیری و تعصب خامی است (ص ۲۵۷)، توصیه به دوری از تعصب.

سال دیگر ای دوست ای همسایه:

مثلی (ص ۱۱۵، بیت ۱ و ۲)، توصیه به پرهیز از کاهلی، شهیدان هنر (ص ۱۱۷)، ابیات ۴ و ۵)، عزت نفس و پاسداشت شرف خویش، گردون روا نداشت... (ص ۱۶۹، بیت ۴)، ترک هوا و هوس، گفتا چه کنم... (ص ۱۷۶) کل شعر، توصیه به امیدوار بودن، به دریا سفر کنیم (ص ۱۹۸، ابیات ۱ و ۲)، توصیه به خطر کردن و دل به دریا زدن، به

دریا سفرکنیم (ص ۲۰۰، ابیات ۱۳-۱۵)، پرهیز از ناامیدی در پی شکست، غزل چون سلمان (ص ۲۱۷، بیت آخر)، توصیه به تواضع.

زمستان:

خفته (ص ۳۶، ابیات ۲۹-۳۲)، تشویق به تلاش و کوشش، گرگ‌ها و سگ‌ها (ص ۷۳-۷۷)، تمام شعر به پرهیز از فرومایگی و حفظ عزت نفس اشاره دارد.

ابیاتی با مضامین اخلاقی

شاخه در باغ اگر بر سر دیوار رسد (اخوان ثالث، ۱۳۹۱: ۳۱)	چشم به روی جهان دگری بگشاید
باوفا ترک بی‌وفا نکنند (همان: ۳۶)	گفت امید و باز هم گوید
ز خنده گل کآلوده ریا باشد (همان: ۱۵۲)	هزار بار مرا خشم باغبان خوش‌تر
هم‌بر اگر تفو کن هم کاشکی و شاید (اخوان ثالث، ۱۳۹۳ الف: ۵۴)	با عزم جزم بی‌شک اکنون بتاز خوش‌تک
پس آنگه داوری کن با شهامت (همان: ۲۲۲)	همیشه خویش را چون مدعی باش
بلکه هم خاکی و هم افلاکی است زادِ راهِ سالکان چالاکمی است (اخوان ثالث، ۱۳۹۳ ب: ۱۱۵)	آدمی تنها نه خلق خاکی است در سلوک از کاهلی پرهیز کن
باید قلم به روی هوا و هوس کشیم (همان: ۱۶۹)	گر خط پارسایی و پاکی ست پیش ما
هنگام کوشش است اگر چشم وا کنی (اخوان ثالث، ۱۳۹۴: ۳۶)	زنهار، خواب غفلت و بیچارگی بس است
کاری محال در بر مرد نبرد نیست	مرد نبرد باش که در این کهن‌سرا

(همان: ۳۶)

۴-۳. تعالیم سیاسی

نقد قدرت و نگاه سیاسی در ادبیات فارسی به صورت پراکنده وجود داشته است. اما «جریانات انقلاب مشروطه، زبان ادبی، به ویژه شعر را از سلطه دربار و تکلفات ادبی ناشی از آن رهانید و با خروج شعر و نثر از انحصار خواص، موجب رواج آن‌ها در میان عامه مردم شد» (حسن‌لی، ۱۳۸۶: ۴۲۳). با آمدن ادبیات به میان جامعه، پسندها و گله‌مندی‌ها و گاه انتقادات تند سیاسی نیز در بستر شعر بیان شد و سبب گردید شعر و ادبیات یکی از مسیرهای بیداری و آگاهی بخشی در جامعه شود. تأثیر این نگرش و کارکرد ادبیات، در پاره‌ای از اشعار اخوان ثالث نیز دیده می‌شود.

گزاره‌های تعلیمی و سیاسی در این چهار مجموعه اندک‌اند و ناظر بر اوضاع سیاسی روزگار سرایش آن‌هاست. مبارزه با ستم و ستمگری و توجه به اوضاع کشور مواردی است که مضامین سیاسی این چهار دفتر را تشکیل می‌دهند. آنچه در این مجموعه‌ها، از آموزه‌ها و انتقادات سیاسی دریافت می‌شود، بیشتر شعارگونه، توصیفی و سطحی است با بیان عمقی و چندلایه اشعاری نظیر «زمستان» و «گله» بسیار فاصله دارد.

اشارات شاعر به امور سیاسی، در اشعار این دو مجموعه در موضوعات زیر است:

ارغنون:

هشدار (ص ۴۱)، توصیه به انقلاب، کلید (ص ۱۱۳)، دو مورد توصیه به ستم‌ستیزی.

تو را ای کهن بوم و بر دوست دارم:

ای قوم (ص ۵۵)، رجوع به داشته‌های ایران و دوری از شرق و غرب، توضیح واضح

(ص ۲۱۶)، ترسیم اوضاع ایران و جهان و توصیه به سیاسیون.

سال دیگر ای دوست ای همسایه:

بجنگ ای قهرمان... (ص ۱۵۶، ابیات ۷-۱۰)، سرزنش غرب و نفی جنگ خونریزی،

دو کانال (ص ۱۶۲)، نفی دروغ ظالمان، سیاست (ص ۱۸۸-۱۸۹)، تمام شعر، پرهیز از سیاست آلوده به دروغ و فریب.

در اشعار سنتی مجموعه زمستان، آموزه‌های سیاسی یافت نشد.

ابیاتی با مضمون آموزه‌های سیاسی

بی انقلاب مشکل ما حل نمی شود / وین وحی بی مجاهده منزل نمی شود

(اخوان ثالث، ۱۳۹۱: ۴۱)

قفل ستم را به پتک بشکن بشکن / حق خود از چنگ خصم بستان بستان

دست به دشمن بزن، نه پای به دنیا / مشت به دندان بزن نه مشت به سندان

(همان: ۱۱۶)

ای قوم که پرورده گهواره شرقید / دلدادۀ غرب این بدتر از گور چرایید؟

برگشت به خانه ی پدری راه رهایی است / در بازی بیگانه گم و گور چرایید؟

(اخوان ثالث، ۱۳۹۳ الف: ۵۵ و ۵۶)

غربی جرار شرق اوبار و مردم خاره‌اند / رسمشان هر اسم دارد جز که بلهّم نیست، هست؟

همره دیو فرنگ، اهریمن ینگی فرنگ / جز به عهد و مهد انسان شان تهاجم نیست، هست؟

(همان: ۲۱۷ و ۲۱۸)

گاهی دو دوتا، پنج شود، گاه سه، گاه سی / پُر ساده مبین جدولِ بغرنج سیاست

تنها نه عیان مهره چند است، گهی هست / یوز و خر و بز نیز به شطرنج سیاست

(اخوان ثالث، ۱۳۹۳ ب: ۱۸۸)

۵. نتیجه گیری

در اشعار سنتی اخوان ثالث، گزاره‌های تعلیمی به شیوه قدما یافت می‌شود. در بیشتر موارد شاعر برای بیان مفاهیم تعلیمی به بیانی سراسر است و صریح روی آورده و در قالب پند و اندرز، هشدار و تحذیر، طنز و طعنه و تمسخر، آموزه‌های مورد نظر خود را انتقال داده است. در مجموعه زمستان، گاه از شیوه بیان صریح فاصله گرفته است و در قالب

نمادین و غیرصریح به انتقال مفاهیم روی آورده است. این موضوع را می‌توان در شعر سگ‌ها و گرگ‌ها و منظومه شکار دید. بیشتر دل‌مشغولی‌های اخوان ثالث به مفاهیم فلسفی و اجتماعی معطوف است و مفاهیم اخلاقی و سیاسی پس از امور فلسفی و اجتماعی، در دایره توجه شاعر قرار دارند. در کل چهار مجموعه، ۱۱۲ مورد به مفاهیم تعلیمی اشاره شده است، از این تعداد ۳۹ مورد (۳۴/۸۲٪) به موضوعات فلسفی اشاره دارد، ۳۶ مورد (۳۲/۱۴٪)، به امور اجتماعی معطوف است، ۲۹ مورد (۲۵/۸۹٪)، دربردارنده پیام اخلاقی است و ۸ مورد (۷/۱۴٪) در حوزه سیاسی است.

در عرصه تعالیم فلسفی، بیشتر آموزه‌های شاعر به تفکر در باب زندگی و مرگ و غنیمت دانستن فرصت حیات تعلق دارد. در حیطه اخلاقی، تنوع اندیشه و آموزه‌ها فراوان تر است، شاعر از دریچه‌های مختلفی به انسان و کردارهای اخلاقی او نگریسته است و به جد و طنز این کردارها را در کانون توجه قرار داده است. مذمت ریا، پرهیز از دروغ، عزم جزم داشتن مفاهیم هستند که شاعر به آن‌ها تأکید دارد. اخوان در حوزه فلسفی و اخلاقی در مسیر اندیشه‌های خیام و حافظ حرکت کرده است. در دو شاخه تعلیم اجتماعی و سیاسی نیز اندیشه شاعر با ترسیم تجربه‌ها و پسندهای انسانی شکل می‌یابد؛ به طور کلی می‌توان گفت اخوان ثالث در چهار مجموعه مورد بررسی با بیان مستقیم و صریح به انتقال گزاره‌های تعلیمی ذهنی و اندیشه خود پرداخته است.

منابع

۱. احمدی، بابک (۱۳۸۶)، ساختار و تأویل متن، چ ۹، تهران: مرکز.
۲. اخوان ثالث، مهدی (۱۳۹۴)، زمستان، چ ۳، تهران: زمستان.
۳. _____ (۱۳۹۳ الف)، تو را ای کهن بوم و بر دوست دارم، چ ۱۱، چ ۲ جیبی، تهران: زمستان.
۴. _____ (۱۳۹۳ ب)، سال دیگر ای دوست ای همسایه، چ ۱ جیبی، تهران: زمستان.

۵. _____ (۱۳۹۱)، ارغنون، چ ۱۸، چ ۲ جیبی، تهران: زمستان.
۶. اسلامی ندوشن، محمدعلی (۱۳۷۰)، جام جهان‌بین، تهران: جامی.
۷. براهنی، رضا (۱۳۷۱)، طلا در مس، در شعر و شاعری، تهران: نویسنده.
۸. حسن‌لی، کاووس (۱۳۸۶)، گونه‌های نوآوری در شعر معاصر ایران، تهران: ثالث.
۹. رجبی، فرهاد (۱۳۹۰)، «دغدغه‌های اجتماعی شعر عبدالوهاب البیاتی و مهدی اخوان ثالث»، مجله زبان و ادبیات عربی، شماره ۴، ۷۵-۴۷.
۱۰. زینی‌وند، تورج (۱۳۹۶)، «ادبیات تطبیقی و علم اخلاق»، کاوش‌نامه ادبیات تطبیقی، سال هفتم، شماره ۲۷، ۹۹-۸۵.
۱۱. شفیع‌ی کدکنی، محمدرضا (۱۳۹۲)، با چراغ و آینه، چ ۴، تهران: سخن.
۱۲. _____ (۱۳۷۲)، «انواع ادبی و شعر فارسی»، مجله رشد آموزش ادبیات ادب فارسی، سال هشتم، شماره ۳۲-۳۳.
۱۳. صالحی امیری، سیدرضا (۱۳۹۵)، «نقش اخلاق اجتماعی بر امنیت اجتماعی و عمومی»، فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری، سال یازدهم، شماره ۱، ۱۸-۱۱.
۱۴. عمران‌پور، محمدرضا و دهرامی، مهدی (۱۳۹۲)، «مقایسه چگونگی انعکاس ادبیات تعلیمی در اشعار نو و سنتی نیما یوشیج»، پژوهشنامه ادبیات تعلیمی، سال پنجم، شماره ۱۸، ۱۰۳-۱۲۲.
۱۵. مشرف، مریم (۱۳۸۷)، «طعن یا آبرونی در آثار مهدی اخوان ثالث»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد، شماره ۱۶۰، ۱۶۶-۱۴۹.
۱۶. موسوی، زهرا و بشیری، زهرا (۱۳۹۶)، «کارکردهای تعلیمی و اخلاقی عناصر چندمعنایی در شعر اخوان»، پژوهشنامه ادبیات تعلیمی، سال نهم، شماره ۳۴، ۱۹۸-۱۶۹.